

پاسخ امام به دلیل دوم شیخ انصاری:

چنانکه خواندیم مرحوم شیخ به عنوان دومین دلیل برای تقدیم اطلاق هیأت بر اطلاق ماده به این نکته اشاره کردند که: اگر اطلاق هیأت مقید شود، لاجرم اطلاق ماده هم باطل می‌شود ولی اگر اطلاق ماده مقید شود، اطلاق هیأت باطل نمی‌شود.

حضرت امام در پاسخ به این دلیل می‌نویسند:

و فيه بعد معلومیة أن قيود كل من الهيئة و المادة لا ترجع إلى صاحبها، و أن لكل مورداً خاصاً ثبوتاً - أن تقييد كل منهما يوجب نحو تضيق لصاحبها و إبطالا لمحل إطلاقها، فإن إطلاق «أكرم زيدا» يقتضي الوجوب بلا قيد، كما يقتضي وجوب نفس طبيعة الإكرام من غير تقييد.

فإذا رجع قيد إلى الهيئة - نحو «إن جاء زيد فأكرمه» - تكون الهيئة مقيدة دون المادة، أي يجب على فرض مجيئه نفس طبيعة الإكرام بلا قيد، لكن يوجب ذلك تضيقاً قهرياً في الإكرام أيضاً، لا بمعنى التقييد، بل بمعنى إبطال محل الإطلاق.

و كذلك إذا ورد قيد على المادة نحو «أكرمه إكراماً حال مجيئه»، فإن الهيئة مطلقة و لو من جهة تحقق المجيء و لا تحققه كما في الواجب المعلق، لكن مع ذلك لا تدعو إلى نفس الإكرام بلا قيد، ف «أكرم» بعث إلى نفس الطبيعة، و «أكرم إكراماً حال مجيئه» بعث إليها مقيدة لا مطلقة، فدائرة البعث في الفرض الأول أوسع منها في الثاني.»^۱

توضیح:

۱. اولاً تقييد ماده، تقييد هیأت نیست و تقييد هیأت، تقييد ماده نیست.
۲. ثانياً تقييد هر یک از این دو، محل اطلاق را در طرف دیگر از بین می‌برد.
۳. «اکرم زیداً» مطلق است هم از حیث ماده (هر نوع اکرام) و هم از حیث هیأت (در هر زمان و جوب هست).
۴. حال اگر قیدی آمد (ان جائك زيد فاکرمه) و به هیأت خورد: اکرام مطلق است ولی محدوده آن مضیق می‌شود (اکرام قبل از آمدن خارج می‌شود) و اگر قیدی آمد و به ماده خورد (اکرمه اکراماً حال مجيئه)، هیأت مطلق است (یعنی وجوب قبل از مجيء هست و بعد هم هست - واجب معلق) ولی باز هم وجوب و بعث،

۱. مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص ۳۶۹.



روی اکرام حال مجيء رفته است و روشن است كه دائره بعث محدودتر است از دائره بعث در فرض اطلاق ماده.



حضرت امام سپس توضیح می‌دهند اینکه مرحوم شیخ می‌گویند اگر ماده تقييد بخورد، اطلاق هیأت باقی می‌ماند (وجوب هست چه مجيء واقع شده باشد و چه نشده باشد) باطل است چراکه:

«ف قوله فی بیان بقاء محلّ الإطلاق فی طرف الهيئة - من إمكان الحكم بالوجوب علی تقدیر وجود القيد و عدمه - لا یخلو من خلط، فإنّ الواجب المعلق و إن كان مطلقاً من حيث تحقّق القيد و عدمه، لكن دائرة دعوتہ أضحی من المطلق من القيد، فبالنسبة إلى غير محلّ القيد یبطل محلّ إطلاقه و إن لم یصر مقیداً، فلا فرق بین تقييد الهيئة و المادّة، لا من جهة أنّ تقييد کل لا یوجب تقييد الآخر، و لا من جهة أنّ تقييده یوجب إبطال محلّ إطلاقه، ففرق بین البعث قبل وجود القيد و بینة و بالنسبة إلى المقيد لا المطلق.»^۱

توضیح:

۱. واجب معلق (نماز با وضو واجب است) اگرچه وجوبش مطلق است (چه وضو باشد و چه نباشد) ولی به هر حال از واجب غیر معلق، مضیق تر است.
۲. چراکه وجوب روی «نماز با وضو» رفته و اصلاً وجوب روی «نماز بدون وضو» نرفته است و لذا از این جهت اطلاق باطل شده است اگرچه وجوب مقید نشده است.
۳. پس فرقی بین تقييد ماده و تقييد هیأت نیست، یعنی هر یک تقييد دیگری نیست و تقييد هر یک موجب ابطال محل اطلاق می‌شود.

ما می‌گوئیم:

۱. ما حصل فرمایش امام این است که: (در اکرم زیداً ان جائك) همانطور که اگر هیأت مقید شود، وجوب قبل از مجيء نیست و در حالیکه ماده مطلق است ولی قبل از مجيء، حکم روی ماده نرفته است (و لذا اکرام قبل مجيء حکم ندارد) پس اطلاق ماده نسبت به مجيء محل ندارد. همانطور هم اگر ماده مقید شود، اکرام (ماده) مقید به مجيء است و در حالیکه هیأت (وجوب) مطلق است ولی بدون مجيء حکم (وجوب) روی ماده نرفته است. (و لذا اکرام بلا مجيء حکم ندارد.) پس اطلاق وجوب نسبت به اکرام بلا مجيء محل ندارد.

۲. ولی به نظر می‌رسد این کلام کامل نیست چراکه:

اگر هیأت مقید شود (یعنی وجوب بعد از مجيء حاصل است)، قطعاً ماده (اکرام) بعد از مجيء محقق می‌-

۱. مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص ۳۷۰.



شود (چراکه قبل از آن شارع اکرام را نمی‌خواسته است). پس اگرچه ماده مطلق گفته شده ولی آنچه واقع می‌شود در خارج «مقیّد به بعد از مجیء» است ولی اگر ماده مقیّد شود (یعنی شارع اکرام در فرض مجیء را خواسته است) در این جا هیأت مقیّد نیست بلکه روی ماده مقیّد نشسته است. یعنی قبل از مجیء وجوب هست و بعد از آن هم هست. امّا اینکه فرق است بین وجوبی که به «اکرام در فرض مجیء» تعلق گرفته با وجوبی که به «اکرام مطلق» تعلق گرفته است به معنای تقیید هیأت نیست بلکه همان تقیید ماده است.

۳. البته چنانکه گفتیم اصل مدعای شیخ انصاری قابل مناقشه است (و شاید مراد حضرت امام همین باشد): چراکه تقیید هیأت هم باعث بطلان اطلاق ماده نمی‌شود بلکه برخی از فروش ماده غیر مقدور هستند و این ضرری به اطلاق ماده نمی‌زند. (مثل اینکه اگر شارع گفت به کربلا برو، اینکه ما نمی‌توانیم این مسیر را یک ساعت برویم، ضرری به اطلاق کلام شارع نسبت به زمان حرکت نمی‌زند)

